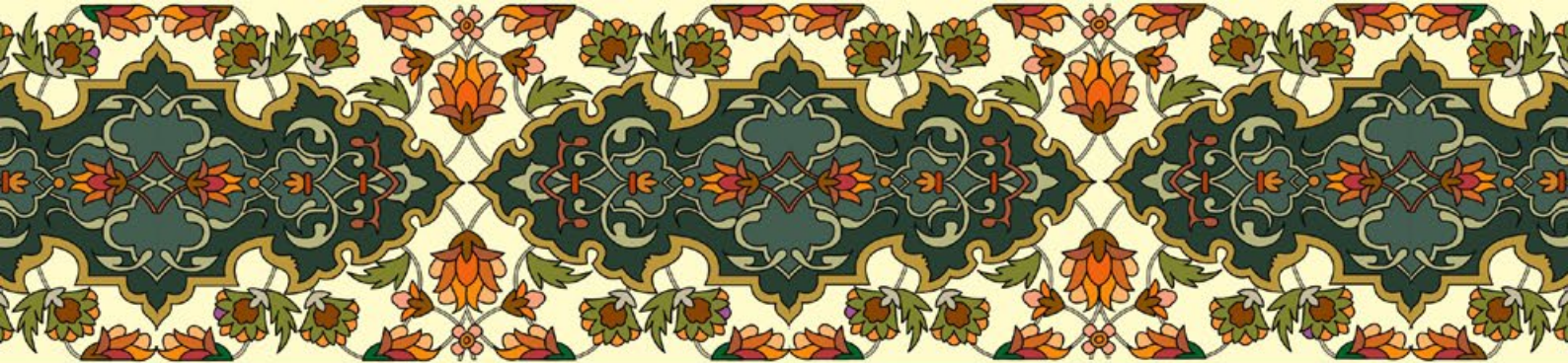




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



شماره: ۱۱۶

عنوان: آخرین فرصت‌ها

نویسنده: محمود ساحق

تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم



آخرین فرصت‌ها

ماه‌ها و روزهای پر تلاطمی را در جهان و منطقه شاهد هستیم. از یک طرف غول هفتاد سر کرونا هر از چندی در گوشه‌ای از دنیا با نام و نشان و عوارض و آثار جدید طغیان می‌کند و همچون هیولایی عصیانگر، تدابیر و پیشگیری‌های دولت‌ها و سازمان‌های جهانی را نقش بر آب می‌کند و از طرف دیگر، مشکلات مزمن و متعدد اجتماعی و اقتصادی همچون آتش زیر خاکستر در گوشه‌گوشه‌ی جهان شعله‌ور می‌شود و خرمن زندگی مردمان را می‌سوزاند و جان‌های بسیاری را تلف و سرمایه‌های زیادی را تباه می‌گرداند؛ چنانکه در یکی از آخرین رویدادها، در کشور قزاقستان شاهد تظاهرات وسیع مردمی در واکنش به شرایط اقتصادی و سرکوب وسیع‌تر آن‌ها توسط حاکمیت مستبد و نالایق آنجا بودیم. کشور ایران نیز با حاکمیت پر مدّعا و پر سر و صدای خود در شرایطی ملتهب‌تر و وخیم‌تر از همیشه، روزها و شب‌ها را از پی هم می‌گذراند،

به امید اینکه شاید بتواند با تغییرات روبنایی و ظاهری در سطح دولت، اوضاع را سر و سامان دهد و زمان بیشتری را برای ماندن بر اریکه‌ی قدرت بخرد. در این بین، هر روز در کشور اعتراضات متعدّد اقشار و اصناف مختلف را شاهد هستیم؛ مردمی که از فساد و بیداد و بی‌تدبیری به تنگ آمده‌اند، اما حاکمیت ظالم و فریبکار، همچنان طلبکار و با تهدید و ارباب و دروغ، سعی در کنترل و سرکوب معترضینِ جان به لب رسیده دارد و تأسفبارتر از آن، دیدن قشری از مردم است که خدعه‌های رنگارنگ حکومت را باور کرده‌اند، در حالی که هر روز از آن سیلی می‌خورند؛ چنانکه روزی به صندوق رأی آنان و تدابیر دولت و مجلس دلخوش می‌شوند و روزی به میز مذاکرات آنان با قدرتهای جهانی که شاید گرهی از گره‌های کور زندگی‌شان بگشایند، در حالی که این چرخه‌ی فاسد و معیوب همواره ادامه دارد و هر چه می‌گذرد، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی وسیع‌تری گریبان توده‌ی مردم را می‌گیرد.

اما در این روزها و ماه‌ها شاهد اتفاقات جدیدی هستیم که ممکن است نتیجه‌ی دیگری را بر خلاف تحلیل و پیش‌بینی حاکمیت رقم بزند. مدتی است که اعتراضات حتی به لایه‌های عمیق و طرفداران سینه‌چاک حاکمیت رسیده و صدای آنان را در آورده است و نیز قشرهایی از مردم که در طول این چهل سال محافظه‌کارتر و ساکت‌تر بوده‌اند، به جمع آنان اضافه شده‌اند؛ بازاریان سنتی، کشاورزان، معلّمان، کارمندان قوای نظامی و قضایی و حتّی زندان‌بانان و همچنین آسیب‌دیدگان باقی‌مانده از جنگ ایران با عراق در روزها و ماه‌های اخیر به خیابان‌ها آمدند و اعتراض خود را نسبت به اوضاع معیشتی با شعارها و پلاکاردها به گوش سنگین حاکمیت رساندند؛ امری که نشان می‌دهد سرکوب‌های گسترده و خونین سال‌های گذشته، چندان هم در زهر چشم گرفتن از مردم کارساز نبوده و تنها نفاق حاکمیت را برای توده‌ی غافل و ناآگاه آشکار کرده و مردم را بیش از پیش خشمگین ساخته است.

از طرفی مذاکرات این دور حکومت با قدرتمندان جهانی نیز ابعاد جدیدتری پیدا کرده است. رهبران ایران که با شعار «آمریکاستیزی» خود را دلداده و وابسته‌ی قدرتهای شرقی کرده‌اند، اکنون به مذاکرات مستقیم با آمریکا چراغ سبز نشان داده‌اند و امیدوارند که با نشستن بر سر میز مذاکره با قدرتهای مستبد و چپاول‌گر جهانی، ترخّم و نظر مساعد آن‌ها را جلب نمایند.

اینان که با لاف استقلال و شعار «نه شرقی، نه غربی» به قدرت رسیدند، دیر زمانی است که شعار «نگاه به شرق» سر می‌دهند و با بی‌چارگی به پای کافران شرقی افتاده‌اند تا آنان را از کافران غربی کفایت کنند! در حالی که مشهود است هیچ یک از دولت‌های شرقی و غربی دلشان به حال مردم مسلمان ایران نسوخته است و هر یک منافع خودشان را می‌جویند و به کرات رخ داده که هر گاه برخی از این دولت‌ها با کشورهای اسلامی پیمانی بسته است، از موضع برتر، با نگاه بالا به پایین و به قصد دوشیدن آن‌ها بوده تا ثروت و منابع طبیعی‌شان را از چنگشان خارج و صرف مقاصد شوم نظامی و سیاسی خود کنند؛ همچنانکه قاعده‌ی «الکفر ملّة واحدة» بر آن صحّه می‌گذارد و معلوم می‌کند که دول کافر شرقی و غربی فرقی با یکدیگر ندارند و همگی در گسترش مظاهر کفر چون ظلم و فساد و تبعیض و فقر بر روی زمین مقصّرند و هیچ یک از آن میرزا نیستند؛ چنانکه گویی یکی از راست و دیگری از چپ از جانب شیطان مأموریت یافته‌اند تا امت میانه‌ی اسلام را متلاشی کنند. این در حالی است که رهبران گمراه ایران همچنان از ضرورت «نگاه به شرق» سخن می‌گویند و با نادیده گرفتن اولیات دین، از دول کافر شرقی توقع خیر و انتظار دوستی دارند؛ مانند کسانی که خداوند از بازخواستشان در روز قیامت خبر داده و درباره‌ی‌شان فرموده است: ﴿وَقِفُّهُمْ^۱ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ^۲ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ^۳ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ^۴ وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ^۵ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ^۶﴾؛ «آنان را نگاه دارید؛ چراکه آنان مسئولند. شما را چه شده است، چرا همدیگر را یاری نمی‌کنید؟ بلکه امروز آنان تسلیم‌شدگانند و برخی‌شان به برخی دیگر روی کرده، از یکدیگر سؤال می‌کنند. گویند: شما از راست به سراغ ما می‌آمدید» و سپس از سمت گروه دیگر پاسخ می‌شنوند: ﴿بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ^۷ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ^۸ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ^۹﴾؛ «بلکه شما مؤمن نبودید و ما را بر شما تسلطی نبود، بلکه خود قومی طغیان‌گر بودید». از این روست که عالم بصیر زمانه‌ی ما، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از گرایش به قدرت‌های شرق و غرب، هر دو نهی کرده و فرموده است:

۱. الصّافّات / ۲۴-۲۸

۲. الصّافّات / ۲۹ و ۳۰

«در جستجوی عدالت، گاهی به شرق میل کرده‌اید و گاهی به غرب... در حالی که عدالت، نه در شرق بوده است و نه در غرب... عدالت تنها در حکومت خداوند بوده است که از قدرها و جاهای شما آگاه است... هان، ای مردمان! به من بگویید! تا به کی باید مانند سیاه‌مستان، از راست به چپ و از چپ به راست بلنگید، تا آخر الأمر بفهمید که راست و چپ برای شما یکسان است و در هیچ یک عدالت نیست؟!»^۱؛ همچنانکه در مبحث «عدم و جاهت پیروی مسلمانان از کافران» از کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، به روشنی تصریح فرموده که «تنها مرز معتبر در اسلام، مرز میان مسلمانان و کافران است که درباره‌ی ایمان به خداوند، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل زندگی، تضاد دارند». این در حالی است که حاکمیت فاسد در ایران از یک سو با صرف هزینه‌های هنگفت و دمیدن در آتش تفرقه و جنگ‌افروزی در کشورهای عربی، به انشقاق و فساد میان امت اسلام می‌پردازد و از سوی دیگر با بستن قراردادهای محرمانه و بلندمدت با چین و روسیه که چیزی جز استعمار نوین را به ذهن تداعی نمی‌کند، مردم مسلمان خود را زیر یوغ طواغیت و مستکبرین شرقی می‌برد.

با کنار هم گذاشتن همه‌ی این مؤلفه‌ها شاید بتوان گفت که فرصت زیادی برای حکومت پر مدعای ایران باقی نمانده است؛ به این معنا که در صورت ادامه‌ی روند فعلی، در آینده‌ای نزدیک شاهد تحولات ساختاری مهمی در این حکومت خواهیم بود؛ تحولاتی که از خشم و نارضایتی عمومی و ناکارآمدی شدید و عملکرد بد حکومت در عرصه‌های مختلف بر می‌خیزد. طبیعتاً ممکن است که چنین تحولاتی مسالمت‌آمیز هم نباشد و تبعات و عوارض زیادی را به دنبال داشته باشد. وانگهی، اگر مردم نیز از جای خود تکان نخورند و برای اصلاح جامعه‌ی شان قدمی برندارند، خداوند خود وعده داده که اقدام خواهد کرد و مردم را با رهبران مجرمشان به سزای اعمالشان خواهد رساند؛ چنانکه به مثابه‌ی قاعده‌ای فرموده است: ﴿أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿۱﴾ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخَرِينَ ﴿۲﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿۳﴾»؛ «آیا پیشینیان را نابود نکردیم؟ سپس پسینیان را به آنان ملحق می‌کنیم. این گونه با مجرمان برخورد می‌کنیم».

۱. فرازی از نامه‌ی ۱۴

۲. المرسلات / ۱۶-۱۸

البته از حکومتی که تأسیسش با دروغ بستن بر خدا و پیامبر بوده و سپس مانند نطفه‌ای که به حرام بسته شده باشد، در طول چهل سال حیات خود، بزرگ‌ترین جرائم و جنایات را مرتکب شده و مخالفانش را به ناحق سرکوب کرده و همچنین بیشترین لطمه را به گفتمان اهل بیت وارد نموده و شیعیان اهل بیت را در جهان بدنام ساخته است و امروز نیز بزرگ‌ترین دشمن و مخالف نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام محسوب می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که حقیقت را درک کند و به سوی خداوند بازگردد؛ چراکه لعنت خداوند و خلیفه‌اش و مؤمنان بر آنان است، اما اگر از میان متدینین و متفکرین و کسانی که به این حکومت حسن ظن دارند، همچنان کسانی هستند که از خوی انصاف و آزادی برخوردارند و ظلم ظالم را می‌بینند و از او حمایت نمی‌کنند و از قدرت‌های شرق و غرب به ستوه آمده‌اند و حاضرند برای اصلاح دین و دنیایشان قدمی بردارند، می‌توان انتظار داشت که دست زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام را به گرمی بفشارند و برای ظهور آن حضرت گامی حقیقی و صادقانه بردارند و با معلّمی خیرخواه که بی هیچ ادّعایی این عِلْم مقدّس را برافراشته همکاری کنند؛ کسی که چیزی برای خود نمی‌خواهد و به دنبال حکومت و ریاست و مال و مقام نیست، بلکه به دنبال فراهم کردن زمینه برای ظهور مهدی است. به راستی هر کس زیرک و عاقل باشد، به خوبی درمی‌یابد که طشت رسوایی این نظام از بام افتاده و چند صباحی است که به مثابه‌ی بیماری جذامی و لاعلاج، تمام کالبدش کرم گذاشته و در حال احتضار است و تبعاً بی‌آبرویی روزافزون و نکبت و ذلّتی هولناک در انتظار سران و حامیانش خواهد بود، اگر زودتر توبه‌ی نصوح نکنند و به راه خدا و خلیفه‌اش بازنگردند.

مقاله‌ها و نکته‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «هر کسی از ظنّ خود شد یار او»



بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ قِبَلِ الْمَنْصُورِ هَاشِمِيِّ خُرَاسَانَ حَفْظَهُ اللهُ تَعَالَى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.